

یک رزمایش و چند پیام راهبردی



احمد کاظمی

پژوهشگر ارشد مسائل اوراسیا

رزمایش مشترک ضد تروریستی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با عنوان «رزمایش مشترک ضد تروریستی سهند-۲۰۲۵» با حضور ده کشور ایران، روسیه، چین، هند، بلاروس، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به میزبانی نیروی زمینی سپاه به مدت ۵ روز از ۱۰ آذرماه در منطقه عملیاتی تیپ مکانیزه امام زمان (عج) شهرستان شبستر استان آذربایجان شرقی با شعار «تلاش همه جانبه برای مقابله با تروریسم» برگزار شد.

کشورهای عربستان سعودی، جمهوری آذربایجان و عراق به عنوان مهمان و همچنین ۲۰ مقام امنیتی، ۶۰ فرمانده ستادی و ۴۰ فرمانده یگان های عملیاتی کشورهای عضو شانگهای در این رزمایش حضور داشتند. با توجه به حضور کشورهای مختلف در رزمایش مشترک ضد تروریسم سهند ۲۰۲۵ می توان آن را یک رزمایش بزرگ بین المللی خواند که این موضوع، اهمیت آن را دوچندان می کند به دلیل آنکه پس از انقلاب اسلامی ایران برای اولین بار است که رزمایشی در این سطح بین المللی در ایران برگزار می شود. برگزاری رزمایش مشترک ضد تروریسم سهند ۲۰۲۵ پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و با توجه به تحولات کنونی منطقه ای و بین المللی از چند جهت قابل ارزیابی است:

اول؛ کمیته ضد تروریسم سازمان همکاری شانگهای، سازمانی که کارکرد بخش نظامی آن، مقابله با گسترش ناتو به منطقه است، هر سال در یکی از کشورهای عضو، رزمایش مشترک ضد تروریسم برگزار می کند. اگرچه برگزاری این رزمایش به عنوان چهارمین رزمایش ضد تروریسم شانگهای در نزدیکی تبریز از سال ۱۴۰۳ برنامه ریزی شده بود اما اجرایی شدن آن پس از جنگ تجاوزگانه و تروریستی ۱۲ روزه و به ویژه طراحی عملیات رزمایش متناسب با جدیدترین شکل تهدیدات از جمله مدرن سازی منطقه عمومی رزمایش و ساخت زیرساخت های مجهز در منطقه رزمایش، حاکی از توجه جدی تهران به انتالف سازی های نوین منطقه ای با هدف شکل دهی به نظم جدید است.

دوم، انتخاب منطقه شبستر در نزدیکی تبریز به عنوان کانون برگزاری این رزمایش حاوی پیام های راهبردی است. در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، تبریز یکی از کانون هایی بود که بیشترین حملات رژیم اسرائیل به مناطق مختلف آن صورت گرفت. همکاری شرارت بار باکو با رژیم اسرائیل در جنگ تجاوزگانه ۱۲ روزه به ویژه فراهم کردن ظرفیتی برای شستش و برخاست پیغام ها و جنگنده ها که ابعاد آن در تحلیل های پیشین تبیین شده است از یکسو و همچنین پشتیبانی پایگاه های کوره جیک و اینچرلیک آمریکا و ناتو در ترکیه از این حملات و هر کدام از این کشورها در «رزمایش مشترک ضد تروریستی سهند-۲۰۲۵» دارای پیام های راهبردی مشخصی است که به صورت مجزا قابل تبیین هستند.

حضور روسیه و چین به عنوان دو کشور عضو شورای امنیت در این رزمایش اهمیت پس از فعال شدن غیرقانونی اسنپ بک و اعتراضات حقوقی و سیاسی مکرر این کشورها در سازمان ملل و سازمان انرژی اتمی و تلاش های آمریکا و متحدانش در تروریستی خواندن سپاه، حاکی از تداوم وریکرد آنها برای حمایت و همکاری نظامی با ایران در قالب تقویت نظام چند قطبی است.

حضور هند در این رزمایش، در ادامه همکاری های نظامی دهلی نو با ارمنستان در ۵ سال اخیر قابل ارزیابی است که نشان می دهد که هند به رغم روابط ویژه با آمریکا در برخی از زمینه ها، مانند روسیه، چین، یونان، گرجستان و برخی از کشورهای اروپایی از هرگونه ابتکار تهران برای مقابله با تغییرات ژئوپلیتیکی در قفقاز و شمال غرب ایران حمایت می کند.

با توجه به نقش پیشگام تبریز در مقابله بافته های پان تورانی، حضور قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان بهمهراه تاجیکستان در این رزمایش، که از قضا حضور پررنگی نیز داشتند، نشان می دهد که برخلاف ادعای برخی از سران بلندپرواز در منطقه، ایده ایجاد به اصطلاح جهان ترک، جایگاه جدی در کشورهای آسیای مرکزی ندارد. حضور پاکستان در «رزمایش مشترک ضد تروریستی سهند-۲۰۲۵»، همزمان با حضور هند نشان می دهد که دیپلماسی ایران در برقراری روابط متوازن با هر دو کشور سر کشمیر در آوریل ۲۰۲۵، موفق عمل کرده است. نکته پائانی اینکه دعوت از جمهوری آذربایجان برای حضور به عنوان مهمان در «رزمایش مشترک ضد تروریستی سهند-۲۰۲۵»، و عدم دعوت از ترکیه حاوی پیام هایی است. شانگهای هیچ تمایلی برای همکاری با یک کشور عضو ناتو ندارد و به همین دلیل در سال های اخیر همواره به تحرکات ترکیه برای عضویت در شانگهای پاسخ منفی داده شده است؛ اساسا کارکرد شانگهای در مقابله با ناتو است، با وجود این اقبال کلی شانگهای به همکاری جمهوری آذربایجان به رغم مخالفت برخی از اعضا، نشان دهنده آمیدواری برخی از کشورهای مطرح سازمان شانگهای مانند روسیه و چین به تغییر رویکرد باکو در پیمانکاری برای جبهه انگلوساکسونی است، هرچند احتمال این موضوع ضعیف است.

غلامعلی دهقان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

شرایط را باید

تاپایان دوره ترامپ

مدیریت کنیم



ترامپ در عمل اهل ریسک بالانیست

مجلس کاری نکند دشمن سوء استفاده کند



اخیر نشان داد اوضاع به نفع جمهوری خواهان نیست که شاخص مهم آن شکست آنها در انتخابات شهرداری نیویورک و به قدرت رسیدن زهران ممدانی بود. پیش بینی می شود سال آینده میلادی در انتخابات میان دوره ای باز هم شاهد شکست جمهوری خواهان باشیم». بنابر این فعلا همه چیز در دهقان استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی درباره فضای داخلی کشور و مناسبات بین المللی بیرامون ایران در گفت وگو با «آرمان ملی» است. دهقان در این گفت وگو به مهم ترین چالش ها و فرصت های پیش رو اشاره کرده که در ادامه می خوانید.

ساقط شود اپوزیسیون ایران که بیشتر در عالم خواب و رویا بسر می برد و نشان داه که درک درستی از ایران ندارد تا مدتی دچار خوشحالی کاذب خواهد بود که لابد در ایران هم چنین و چنان خواهد شد، اما این یک خیالیایی بچه گانه است. شرایط ایران به هیچ و چه شبیه شرایط ونزولا نیست.

◀ فضای داخلی کشور به سمت استیضاح برخی وزرا یا فشار برای برکناری برخی مدیران توسط پزشکبان حرکت می کند. تحلیل شما از این وضعیت چیست؟

مجلس شورای اسلامی برخلاف انتظار برخی تحلیلگران در مرداد سال گذشته به تمامی وزرای پیشنهادی رای مثبت داد و نشان داد که به مجموعه دولت پزشکبان حسن ظن دارد. اما بدیهی است که همیشه پس از مدتی اختلاف نظر ها میان مجلس شورای ووزرا بروز می کند. برخی وعده ها عمل نمی شود، توقع بعضی برآورده نمی شود و ده ها دلیل دیگر سبب طرح سوال و حتی استیضاح از وزرا می شود که اگر بر اساس حسن نیت و با قصد بهبود کارها باشد امر مبارکی هم است. واقعیت این است که مدیریت مجموعه دولت بسیار سخت است. انتظار می رود همانطور که مقام رهبری هم تاکید کردند، از شخص پزشکبان و کلیت دولت حمایت شود. در همین راستا انتظار می رود ثبات مدیریت مد نظر باشد مگر اینکه قرائن و شواهد نشان دهد چاره ای جز تغییر نیست. در میان وزرا در موقع رای اعتماد وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان مخالفان فشار زیادی داشت، اما هم اکنون به نظر می رسد جزو وزرای موفق کابینه است و سخنی از استیضاح او نیست اما افرادی بودند که رای بالایی هم داشتند اما انگار در کارآمدی و ارتخانه زیر سوال رفته اند. بنابر این باید به مجلس این حق را قائل باشیم که به وظیفه خود عمل کند. در مجموع وضعیت کشور به جهت دشمنی دشمنان ایران زمین به نحوی است که همگان می بایست نهایت مراقبت را داشته باشند تا دشمن از وضعیت فعلی سوء استفاده نکند.

◀ در روزهای اخیر همه ها علیه فعالیت های حسن روحانی افزایش یافته است. روحانی در معادلات سیاسی کنونی چه نقشی دارد که به سبیل تندروها تبدیل شده است؟

دشمن طی سال های پس از مشروطه تلاش کرده است وحدت ملی ایرانیان را هدف قرار دهد. بنابر این تلاش کرده با تقویت دو قطبی هایی این کار خود را عملیاتی کند. اصلاحا دو قطبی کاذب درست می کند. مشروعه یا مشروطه ایران و یا اسلام صدق یا کاشانی و بعد از انقلاب هم زیاد از این دوگانه ها دیدیم. در قضیه شایعات مربوط به حسن روحانی که این روزها دیده می شود، عده ای در خارج از کشور دنبال تشدید اختلافات میان چهره های انقلاب و نظام هستند و به تعبیری دنبال دو قطبی های کاذب هستند که اساسا وجود خارجی ندارد. بر همه سیاسویں فرض است که مراقب این دسیسه ها باشند و در دام دو قطبی ها نیفتند. حدس هایی که برخی در خارج و بعضی در داخل در باره حسن روحانی مطرح می کنند بیش از اینکه واقعیت داشته باشد ریشه در اوهام و خیالات عده ای دارد که درک درستی از ساخت قدرت در ایران ندارند.

ترامپ عزم جدی برای درگیری گسترده با ایران ندارد چون به هزینه های سنگین آن واقف است. فعلا منتظر است ببیند ایران چه راهبردی دارد. راهبرد ایران هم مشخص است؛ عقب نشینی در قضیه هسته ای وجود ندارد

سیاسی در آمریکا به چه سمتی پیش می رود. انتخابات اخیر نشان داد اوضاع به نفع جمهوری خواهان نیست که شاخص مهم آن شکست آنها در انتخابات شهرداری نیویورک و به قدرت رسیدن زهران ممدانی بود. پیش بینی می شود سال آینده میلادی در انتخابات میان دوره ای باز هم شکست جمهوری خواهان باشیم. واقعیت این است ما در قضیه هسته ای به خواست حداقلی در برجام رضایت دادیم و اوامای دموکرات آن را پذیرفت. به نظر می رسد بجز ترامپ گزینه های دیگر جمهوریخواه هم می توانستند با ایران مصالحه کنند. بنابر این تدبیر دوره سه ساله ترامپ بسیار مهم است.

◀ احتمال حمله ترامپ به ونزولا و سقوط احتمالی مادورو چه تأثیری بر مناسبات پیرامون ایران دارد؟

به نظر می رسد راهبرد ترجمه قدرت نظامی آمریکا به امر سیاسی در مورد ونزولا دستور کار ترامپ است. ترامپ با دستور دادن به ارتش آمریکا مبنی بر زدن کشتی های ونزولایی تحت عنوان تروریست های قاچاق مواد مخدر و تهدیدات مداوم تلاش می کند کاری کند تا خود مادورو داوطلبانه قدرت را ترک کند. اینکه آیا این ترس و ارباب موفق خواهد شد ترامپ را به اهدافش برساند یا نه، باید منتظر روزهای آینده باشیم. تا اینجا ی کار که مادورو خود را مستطظر به پشتیبانی بخش قابل توجهی از مردم و ارتش کشور می داند. واقعیت این است هم ونزولای جاوز رهبر قبلی و مادورو رهبر فعلی رابطه خوبی با ایران داشته و همین بهانه ای شده تا آمریکایی ها بیشتر به مادورو فشار بیاورند. از سوی دیگر اگر فرضا مادورو

حدس هایی که برخی در خارج و بعضی در داخل درباره حسن روحانی مطرح می کنند، یش از اینکه واقعیت داشته باشد ریشه در اوهام و خیالات عده ای دارد که درک درستی از ساخت قدرت در ایران ندارند

سید جلال ساداتیان:

بن سلمان می داند طرح ابراهیم در منطقه عملیاتی نمی شود

چین به هر پروژه های مختلفی که در داخل عربستان وجود دارد، از جمله پروژه های ریلی و انرژی را، قرارداد هایی را منعقد کرده است. وی ادامه داد: همچنین با آمریکا هم موافقاتی دارند. امروزه به نوعی قدرت لابی عرب ها در مقابل صهیونیست ها افزایش یافته و به ویژه قدرت عربستان در داخل ایالات متحده ارتقا یافته است. بنابر این، به تدریج موقعیت خود را در منطقه بهبود می بخشد. این تحلیل گر مسائل بین الملل در پاسخ به این سوال که به نظر شما عربستان قصد دارد ایران را در برنامه هایی که در منطقه دارد با خود همراه کند، تاکید کرد: عربستان در درجه اول به دنبال برقراری آرامش در این منطقه است تا بتواند مدل توسعه خود را پیش ببرد.

جدی در سیاست های خود نشان داده است. از زمانی که محمد بن سلمان به قدرت آمده، با وجود اینکه هنوز نام پدش، به عنوان پادشاه مطرح است، ولی عملایشان تمامی امور را به دست گرفته و پادشاه واقعی عربستان است. این استاد دانشگاه در تشریح تغییراتی عربستان سعودی، تصریح کرد: عربستان به شدت به دنبال جذب تکنولوژی و انجام پروژه هایی است که از جمله آن ها می توان به راه اندازی شهر نثوم اشاره کرد. در زمینه آب، سرمایه گذاری های قابل توجهی انجام داده و در عرصه کشاورزی هم سرمایه گذاری جدی کرده است. همچنین در حوزه هوش مصنوعی فعالیت های جدی دارد و نسبت به مسئله تسلیحات و اقدامات نظامی کارهایی انجام داده است. وی افزود:

سفیر سابق ایران در انگلیس در رابطه با ارزیابی خود از حضور مقامات دیپلماتیک کشورهای عربستان، ترکیه و کره جنوبی در تهران و اهداف سیاسی که این دیدارها دنبال می کنند، اظهار داشت: خداکند تهران همواره به جای سه کشور، سی هیئت دیپلماتیک را میزبانی کند. ما نباید به این فکر کنیم که اگر کنرا بکشیم و طاقچه بالا بگذاریم و بگوئیم که مذاکره نمی کنیم، دیگران به سوی ما خواهند آمد و التماس خواهند کرد تا ما گفت وگو کنند. ما فرصت های زیادی را در مسئله دیپلماسی از دست داده ایم.

سید جلال ساداتیان گفت: این گروه هایی که به ما نزدیک می شوند، هر کدام انگیزه های خاص خود را دارند. اگر از عربستان شروع کنیم، می بینیم که عربستان تغییر رویکرد

گزارش

سپر نامرئی در برابر جنگ

ایران چگونه می تواند با «اقتصاد» امنیت بخرد؟

در جهانی که هر تصمیم اشتباه می تواند به بحران های چند صد میلیارد دلاری منجر شود، اقتصاد به بزرگ ترین حافظ صلح تبدیل شده است. این واقعیت، با ژتاب تغییری است که طی نیم قرن گذشته در ساختار قدرت جهانی رخ داده است. زمانی جنگ ابزاری برای گسترش نفوذ سیاسی و دسترسی به منابع جدید بود. اما امروز شبکه های مالی، رنجبره های تأمین جهانی، بازارهای یکپارچه و سرمایه گذاری های فرامرزی، به گونه ای جهان را درهم تنیده اند که هر جنگی نه فقط برای طرفین درگیر، بلکه برای بسیاری از اقتصادهای دیگر نیز ویران کننده است. به همین دلیل، کشور هایی که اقتصاد بزرگ، متنوع و جذاب دارند، نه تنها از منظر داخلی مستحکم ترند، بلکه در سطح بین المللی نیز به واسطه همین قدرت اقتصادی، یک نوع امنیت غیر نظامی به دست می آورند. قدرت اقتصادی امروز همان نقشی را ایفا می کند که ناوهای جنگی یا خطوط دفاعی در قرن بیستم داشتند. با این تفاوت که در دنیای پیچیده فعلی، حفظ رنجبره تولید، ثبات بازار های مالی و جریان آزاد سرمایه، مؤثرتر از هر سلاخی می تواند مانع جنگ شود. هرچه روابط اقتصادی میان کشور ها گسترده تر باشد، هزینه جنگ به شکلی تصاعدی افزایش می یابد. نابودی بازار های صادراتی، توقف سرمایه گذاری، سقوط ارز، کاهش تولید و آسیب به شرکت های چندملیتی تنها بخشی از تبعاتی است که جنگ به دنبال دارد. به همین دلیل، هر کشوری که بتواند خود را در نظام اقتصاد جهانی به یک حلقه ضروری تبدیل کند، در برابر تهدید های امنیتی نیز مقاوم تر می شود. یکی از نکات مهم این است که امنیت اقتصادی صرفا به معنای رشد GDP نیست. امنیت اقتصادی زمانی ایجاد می شود که یک کشور به طور همزمان بتواند شبکه روابط تجاری خود را توسعه دهد، سرمایه خارجی جذب کند، در رنجبره تولید جهانی نقش فعال داشته باشد و برای شرکای خود به یک منبع سود و منفعت تبدیل شود. در چنین شرایطی، هر تهدیدی علیه آن کشور، به سرعت به تهدیدی علیه منابع اقتصادی دیگران نیز تبدیل می شود. موضوعی که عملا احتمال جنگ را کاهش می دهد. برای درک ملموس تر این روند، بررسی نمونه هایی از جهان ضروری است. در میان همه نمونه های موجود، رابطه آمریکا و چین بیشترین سر و صدا و تحلیل را طی دو دهه اخیر به همراه داشته است و امروز به عنوان بزرگ ترین مصداق بازآزدانگی اقتصادی در جهان شناخته می شود.

◀ اقتصاد مانع جنگ هسته ای

در دو دهه اخیر هیچ رابطه ای به اندازه رابطه آمریکا و چین هم زمان این چنین پرتش، پیچیده و وابسته نبوده است. رقابت ژئوپلیتیک، اختلافات فناوری، جنگ تجاری، محدودیت بر شرکت های فناوری و مناقشات سیاسی، بارها دو کشور را در موقعیت تقابل قرار داده است. اما با وجود این سطح از تنش، آنچه مانع تبدیل رقابت به جنگ شده، ستون های عظیم وابستگی اقتصادی است که دو اقتصاد بزرگ جهان را به یکدیگر متصل می کند. در این رابطه، تجارت چند صد میلیارد دلاری میان دو کشور به عنوان یک ستون اصلی عمل می کند. آمریکا بزرگ ترین بازار مصرف جهان است و چین مرکز تولید جهانی. شرکت های آمریکایی بخش قابل توجهی از تجهیزات، مواد اولیه و حتی محصولات نهایی خود را از چین تأمین می کنند و نیز برای ادامه رشد اقتصاد خود به بازار های گسترده آمریکانیاز دارد. از سوی دیگر، چین بخش مهمی از اوراق خزانه داری آمریکا به در اختیار دارد و هرگونه بی ثباتی مالی در آمریکا به صورت مستقیم دارایی های چینی را تهدید می کند. این سطح از درهم تنیدگی اقتصادی باعث شده هر اقدام نظامی بین این دو کشور به معنای فروپاشی بخش های مهمی از اقتصاد جهانی باشد. به همین دلیل، با وجود تنش های سیاسی، ساختار اقتصاد جهانی عملا دو قدرت را مجبور به گفت وگو به مدیریت اختلافات و جلوگیری از برخورد مستقیم کرده است. به نوشته اقتصاد آنلاین: این نمونه به وضوح نشان می دهد که اقتصاد چگونه می تواند مانع جنگ شود. آمریکا و چین نمونه ای هستند که در آن، قدرت اقتصادی نه تنها امنیت داخلی، بلکه امنیت بین المللی ایجاد کرده است. امنیتی که نتیجه طبیعی وابستگی متقابل عمیق، حجم سرمایه در گردش و نقش غیر قابل حذف هر دو کشور در شبکه اقتصاد جهانی است.

◀ درس های ایران

تجربه آمریکا و چین نشان می دهد کشور هایی که به دنبال افزایش سطح امنیت و کاهش احتمال درگیری هستند، باید مسیر ادغام اقتصادی در شبکه جهانی را تقویت کنند. گسترش روابط تجاری پایدار، ایجاد پیوندهای مالی بلندمدت و مشارکت در رنجبره تولید جهانی باعث می شود سایر دولت ها به صورت طبیعی در حفظ ثبات آن کشور ذی نفع شوند. جذب سرمایه گذاری خارجی نیز به عنوان یک ابزار امنیتی عمل می کند، زیرا هر سرمایه گذاری خارجی در حکم یک لنگر ثبات است که کشور سرمایه گذار را نیز به حفظ آرامش وادار می کند. مجموع این اقدامات نه تنها اقتصاد را قدرتمند می سازد، بلکه سطح بازآزدانگی غیر نظامی را نیز افزایش می دهد. در زمان افزایش درآمدهای نفتی و شرایط بدون تحریم، ایران می تواند سرمایه گذاری های خارجی خود را در سایر کشورهای منطقه و جهان تقویت هم، همچنین، جذب سرمایه های خارجی، باعث می شود تا هر تنش در ایران، یک تنش سیاسی و اقتصادی بزرگ در منطقه نباشد. تبدیل شدن به گذرگاه های انرژی و تأمین انرژی نیز یکی دیگر از راه های کلیدی جلوگیری از جنگ و تحریم است. نمونه این سیاست را به وضوح می توان در روسیه دید.